



معنی لغت‌های مهم درس

احزان:	اندوه‌ها، غم‌ها	هجو:	سرزنش کردن به شعر، نکوهش
بعید:	دور	گردون:	آسمان، فلک
لعن:	نفرین کردن، دشنام دادن	تباهی:	نابودی
مراد:	مقصود، هدف، خواسته شده	خار مگیلان:	خار شتر
سر عیب:	راز پنهانی	شوق:	رغبت، آرزومندی
فرزانه:	دانشمند بسیار دانا	فنا:	نابودی
گردون:	آسمان، فلک	واقف:	آگاه، با خبر
شوریده:	آشفته	نه‌ای:	نیستی
هستی:	وجود، دارایی، ثروت	کنج:	گوشه، زاویه
انوار:	نورها و روشنایی‌ها	مقام:	اقامت، محل اقامت، جایگاه
قعر:	عمق	اوج:	بلندی

معنی ابیات شعر پرتو امید

یوسف گم گشته، باز آید به کنعان، غم مخور	کلبهٔ احزان، شود روزی گلستان، غم مخور
یوسف گم شده (پار و معشوق) دوباره به سرزمین کنعان (نزد عاشق یا تو) بر می‌گردد و خانه غم و ناراحتی یک روز مانند گلستان پر از شادی و طراوت می‌شود؛ پس غمگین نباش. (غم‌ها به شادی تبدیل می‌شوند، غم مخور)	
ای دل غم‌دیده، حالت به شود، دل بد مکن	وین سر شوریده، باز آید به سامان، غم مخور
ای دل غمگین و ناراحت، حالت دوباره بهتر و خوب می‌شود، نگران نباش. این وجود آشفته و پریشان تو سرو سامان و آرام و قرار می‌گیرد، غمگین نباش.	
دور گـردون، گر دو روزی بر ما نرفت	دائماً یکسان نباشد حال دوران، غم مخور
اگر گردش زمانه (روزگار) چند روز مطابق میل و هدف ما پیش نرفت، ناراحت نباش، زیرا همیشه حال روزگار و زمانه به یک شکل باقی نمی‌ماند.	
هان مشو نومید! چون واقف نه ای از سر غیب	باشد اندر پرده، بازی‌های پنهان، غم مخور
آگاه باش، نا امید مشو چون تو اسرار غیب را نمی‌دانی. در پس پرده بازی‌های پنهان بسیار هست	
ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند	چون تو را نوح است کشتیمان، ز توفان، غم مخور
ای دل، اگر نیستی و نابودی همچون سیل خروشان، اساس و بنیان هستی و وجودت را نابود کند، باز هم غمگین نباش زیرا هدایتگری هم چون نوح همراه با قدرت الهی داری، پس از مشکلات نترس.	
در بیابان گر به شوق کعبه، خواهی زد قدم	سرزنش‌ها گر کند خار مگیلان، غم مخور
اگر در بیابان به شوق و علاقهٔ رسیدن به کعبه (معشوق) قدم بر می‌داری اگر خار مگیلان و دشواری‌های این راه تو را آزار	



### می‌دهد غمگین نباش

گرچه منزل، بس خطرناک است و مقصد، بس بعید هیچ راهی نیست، کان را نیست پایان، غم مخور  
اگرچه منزل و جایگاه محل اقامت کاروانیان خطرناک و مقصد بسیار دور است، پس ناراحت نباش، زیرا هیچ راهی نیست که سرانجام و پایانی نداشته باشد.

حاقاط! در کنج فقر و خلوت شب‌های تار تا بود وردت دعا و درس قرآن، غم مخور  
ای حافظ تا زمانی که در تنهایی و درویشی در شب‌های تاریک، ذکر و کلام تو دعا کردن، قرآن خواندن و نیایش خداوند باشد از هیچ چیزی ناراحت نباش.

### خود ارزیابی

**سوال ۱:** چه چیزی پذیرش سختی‌ها را برای حافظ، آسان کرده است؟ امید به آینده بهتر، یکسان نبودن احوال روزگار، وجود رهبر آگاه، توکل به خدا، دعا و خواندن قرآن

**سوال ۲:** انسان عاقل در برابر حوادث و مشکلات زندگی، چگونه باید رفتار کند؟  
هیچ گاه غم نمی‌خورد و امیدش را از دست نمی‌دهد و با توکل به خدا و نیایش پروردگارش به همراه تلاش و امید به خدا و خواندن قرآن بر مشکلات پیروز می‌شود.

**سوال ۳:** بیت زیر، با کدام یک از بیت‌های درس ارتباط بیشتری دارد؟

غواص اگر اندیشه کند کام نهنگ هرگز نکند در گرانمایه به چنگ

گرچه منزل، بس خطرناک است و مقصد، بس بعید هیچ راهی نیست، کان را نیست پایان، غم مخور

**سوال ۴:** کدام مصراع به یک آیین مذهبی اشاره دارد؟ در بیابان گر به شوق کعبه، خواهی زد قدم ( به حج اشاره دارد)

### گفت و گو

**سوال ۱:** غزلی دیگر از دیوان حافظ انتخاب کنید و درباره پیام‌های آن در کلاس، گفت و گو کنید.

عالم پیر دگرباره جوان خواهد شد	نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد
چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد	ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد
تا سراپرده گل نعره زنان خواهد شد	این تناول که کشید از غم هجران بلبل
مجلس وعظ دراز است و زمان خواهد شد	گر ز مسجد به خرابات شدم خرده مگیر
مایه نقد بقا را که ضمان خواهد شد	ای دل ار عشرت امروز به فردا فکنی
از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد	ماه شعبان منه از دست قدح کاین خورشید
که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد	گل عزیز است غنیمت شمردش صحبت
چند گویی که چنین رفت و چنان خواهد شد	مطربا مجلس انس است غزل خوان و سرود
قدمی نه به وداعش که روان خواهد شد	حافظ از بهر تو آمد سوی اقلیم وجود

مژده و بشارت درباره آمدن بهار و یادآوری اینکه بدانیم هر گل فرصت کمی برای زندگی دارد. همه گل‌ها با هم شکفته نمی‌شوند. بلکه به ترتیب شکفته می‌شوند. خدا نیز نعمت‌ها را با هم به انسان نمی‌دهد بلکه هر کدام را در زمان خودش



می‌دهد. ما باید قدر عمر خود را بدانیم و از لحظه لحظه آن استفاده کنیم. شاعر در غزل به عزت گل اشاره می‌کند و دانستن قدر گل و با ارزش دانستن وقت را نیز توصیه می‌کند. رفتن به باغ و تماشای گل و بهار نیز توصیه دیگر شاعر است و در آخر بیان می‌کند که ای شنونده شعر و ای کسی که از خواندن و شنیدن غزل لذت می‌بری، بدان که خداوند حافظ را برای خاطر شما آفریده است، پس برای خداحافظی با او بیایید که رفتنی است. (تا هستیم قدر همدیگر را بدانیم و از احوال هم باخبر شویم، زیرا عمر خیلی سریع سپری می‌شود و روزی باید با این دنیا وداع کنیم).

**سوال ۲:** چهار نمونه تخلص از شاعران دیگر انتخاب کنید و بیت کامل آنها را در کلاس بخوانید.

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز	مرده آن است که نامش به نکویی نبرند
ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شیب	غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا
بیش از همه کس اف+تاد در دام غمت هاتف	امید کز این غم شاد تا روز پسین بادا
تا نگردد جذبه توفیق صائب دستگیر	از گل تعمیر، پای خود کشیدن مشکل است

### نوشتن

**سوال ۱:** واژگانی را که نشانه جمع دارند، مشخص کنید و مفرد هر یک را بنویسید.

کنعان، گلستان، دودمان، احزان، پیروان، کشتیبان، پایان، آزادگان

آزادگان	آزاده	پیروان	پیرو	احزان	حزن
---------	-------	--------	------	-------	-----

**سوال ۲:** در بیت زیر، قافیه‌ها را مشخص کنید و سه واژه هم قافیه با آنها بنویسید.

همای اوج سعادت به دام ما افتد      اگر تو را گذری بر مقام ما افتد

واژه‌های هم قافیه: رام، جام، خام، رهام، پدram، زمام، نامم، شام، بام، گام، وام، نام، مشام و...

**سوال ۳:** بیت زیر، با کدامیک از بیت‌های درس، ارتباط معنایی دارد؟ دلیل ارتباط آن را بنویسید.

عزیز مصر به رغم برادرانِ غیور      ز قعر چاه، برآمد به اوج ماه رسید

دور گردون، گمر دو روزی بر ما نرفت      دائماً یکسان نباشد حال دوران، غم مخور

حال دنیا یکسان نیست. گاهی به انسان نعمت می‌دهد، گاهی از انسان نعمت را می‌گیرد. هیچ کار خدا بدون حکمت و فلسفه نیست. حال و زندگی حضرت یوسف (ع) هم یکسان نبود. یکبار اسیر چاه شد، سپس به مصر برده شد و گرفتار زندان گشت، دیگر بار از زندان رهایی یافت و عزیز و حاکم مصر شد.

هان مشو نومید! چون واقف نه‌ای از سر غیب      باشد اندر پرده، بازی‌های پنهان، غم مخور

کارهای خدا حکمت دارد. کاری که از نظر ما خیانت است و باعث رنج می‌شود، شاید روزی باعث رحمت و نعمت شود. ما از رازهای هستی با خبر نیستیم و نباید درباره آنها زود قضاوت کنیم.